



مراتب امر به معروف و نهی از منکر / از حب و بغض قلبی تا تذکر لسانی

اساساً امر به معروف و نهی از منکر به معنای نظارت مؤمنین بر همدیگر است و از این جهت «نظارت ملی» نامیده می‌شود. به عبارت دقیق‌تر همه افراد جامعه وظیفه دارند ...

پای درس جلسات اخلاق آیت الله مظاهری؛

مراتب امر به معروف و نهی از منکر / از حب و بغض قلبی تا تذکر لسانی
اساساً امر به معروف و نهی از منکر به معنای نظارت مؤمنین بر همدیگر است و از این جهت «نظارت ملی» نامیده می‌شود. به عبارت دقیق‌تر همه افراد جامعه وظیفه دارند ناظر بر کردار و گفتار همدیگر باشند و با خوش‌رویی یا ترش‌رویی و همچنین تذکر لسانی، مشوق اعمال نیکو و حسنات و خیرات و مانع ظهور و بروز گناه در جامعه شوند. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله مظاهری در جلسات گذشته بیان داشت که عمل به «امر به معروف و نهی از منکر» محتاج برخورداری از صبر اجتماعی است. همچنین بیان داشت که رستگاری، در اثر ایمان و انجام عمل صالح و اهمیت به امر به معروف و نهی از منکر، نصیب انسان می‌شود. در این جلسه به ادامه بحث پیرامون مراتب امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

مرتبه اول: حب و بغض قلبی

اولین مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر این است که انسان به مؤمنین محبت بورزد و اعمال نیکوی آنها را دوست بدارد و نسبت به کافرین و گناهکاران و اعمال ناپسند و زشت، بغض داشته باشد.

آئمه طاهریین «ع» با بیان روایت: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ» [1]، اصل و مغز دین را محبت و بغض دانسته‌اند. معنای تام این روایت در خصوص برخورداری از ولایت اهل بیت «ع» و محبت آنان و مودت ورزیدن به آن ذوات مقدس و همچنین دشمن دانستن دشمنان آن بزرگواران، صادق است. همانطور که در زیارت عاشورا و سایر زیارات خطاب به اهل بیت «ع» می‌خوانیم:

«إِنِّي سَلِمٌ لِمَنْ سَأَلْتَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» [2] یعنی من علاوه بر آنکه شما را دوست می‌دارم، به دوستان شما محبت دارم و نسبت به دشمنان شما و بدخواهان شما، دشمنی و بغض دارم. اما باید دانست که این روایت شریف، منحصر در معنایی که بیان شد نیست و مصادیق آن فراگیر و عمومی است.

به عبارت دیگر، اهل بیت «ع» به ما می‌فهمانند که باید نسبت به اهل ایمان و افراد با تقوا محبت داشته باشیم و آنان را دوست خود بدانیم و ضمن ادای احترام به آنها، از رفتار پسندیده ایشان خشنود باشیم. همچنین راجع به اهل گناه و معصیت و کسانی که با رفتار زشت و ناپسند خود نسبت به دیانت و صفات پسندیده اخلاقی و انسانی، بی‌تفاوت و بی‌اعتنا هستند، بغض داشته باشیم. البته این بغض به معنای بی‌تفاوتی نسبت به افراد گناهکار جامعه نیست. بلکه مؤمنین وظیفه دارند علاوه بر تلاش برای هدایت گناهکاران، به آنها دعا کنند و دوست داشته باشند آنان را از منجلاب گناه نجات دهند، اما به طور کلی باید نسبت به گناه و معصیت و اعمال منافی عفت و مخالف دیانت، حالت تدافعی و مخالفت داشته باشند و با محبت ورزیدن به اهل معصیت، مشوق گناه آنان نشوند.

به بیان دیگر، مؤمن باید به گونه‌ای با گناهکار برخورد داشته باشد که گناهکار به زشتی عمل خود و کراهت مؤمن از آن عمل ناپسند پی ببرد و از کردار زشت خود دست بردارد.

همچنین اهل ایمان باید هنگام برخورد با افراد مؤمن و متقی، به ایشان بفهمانند که از کردار پسندیده و صفات اخلاقی و دین‌داری آن افراد مسرور و خوشحالند و احترام ویژه‌ای برای آنها قائل باشند؛ هرچند آن افراد از مرتبه اجتماعی یا علمی ویژه‌ای برخوردار نباشند.

مرتبه دوم: تذکر لسانی

مرتبه بعدی امر به معروف و نهی از منکر این است که انسان با تلافی و مهربانی و به گونه‌ای که احتمال تأثیر داشته باشد، به

گناهکار، تذکر زبانی بدهد. در واقع، از آنجا که مؤمنین باید نسبت به هم محبت داشته باشند و سکوت و بی‌تفاوتی انسان در مواجهه با گناه کسی که او را دوست می‌دارد، خطاست، اهل ایمان وظیفه دارند متذکر بروز خطا یا گناه همدیگر باشند.

اساساً امر به معروف و نهی از منکر به معنای نظارت مؤمنین بر همدیگر است و از این جهت «نظارت ملی» نامیده می‌شود. به عبارت دقیق‌تر همه افراد جامعه وظیفه دارند ناظر بر کردار و گفتار همدیگر باشند و با خوش‌رویی یا ترش‌رویی و همچنین تذکر لسانی، مشوق اعمال نیکو و حسنات و خیرات و مانع ظهور و بروز گناه در جامعه شوند.

اصلاح وضعیت حجاب و عفاف وظیفه کیست؟

البته همانطور که بیان شد، تذکر لسانی باید همراه با ملاحظت و مهربانی و با احتمال تأثیر باشد و مهمتر آنکه، منجر به ایجاد بحران و تنش در اجتماع نشود. مثلاً در جامعه فعلی که وضعیت حجاب و عفاف، بسیار نگران‌کننده است، تذکر لسانی چند جوان مؤمن و انقلابی، به افراد بی‌حجاب و بدحجاب، احتمال تأثیر ندارد و از این جهت که در جامعه تنش‌زا است، صحیح نیست. در چنین وضعیت اسفناکی، اصلاح ناهنجاری‌های اجتماعی وظیفه مسئولان مربوطه است که اگر در انجام وظیفه کوتاهی کنند و برای بهبود وضعیت اخلاق جامعه و حجاب و عفاف، چاره‌ای نیندیشند، مقصّرند و باید پاسخگو باشند.

وظیفه مؤمنین برای اصلاح اخلاق جامعه

امر به معروف و نهی از منکر، که وظیفه همگانی است، باید با رعایت آداب و مراتب آن همراه باشد و هرگاه احتمال تأثیر آن نرود یا موجب ایجاد بحران و تنش اجتماعی گردد، وظیفه از افراد غیر مسئول برای سایر افراد اجتماع که نسبتی با آنها ندارند، ساقط است و این وظیفه، به عهده مسئولان خواهد بود. اما اگر همه مؤمنین و همه افراد جامعه، به گناهکاران، با استدلال و با تواضع و مهربانی تذکر زبانی بدهند، حتماً تأثیر خواهد داشت و چون در وضع فعلی، همه به این وظیفه اساسی عمل نمی‌کنند، امر به معروف و نهی از منکر چند جوان نسبت به افراد کوچه و خیابان تأثیر ندارد و از آنجا که بحران آفرین و تنش‌زا است و مورد سوء استفاده بدخواهان و بیگانگان واقع می‌شود، به صلاح نیست.

افراد مؤمن و متقی، در وضعیت فعلی وظیفه دارند در خانواده، دوستان و اطرافیان، امر به معروف و نهی از منکر بوده، مراقب کردار و گفتار همدیگر باشند. اهل ایمان باید مانع بروز هرگونه گناه و معصیت، در بین افراد خانواده، دوستان و آشنایان شوند. یعنی علاوه بر اصلاح وضعیت حجاب و عفاف اطرافیان، با نظارت ملی، مانع حق‌التاس مالی و آبرویی دیگران باشند و به خصوص اجازه ندهند مجالس و جلسات دوستانه و فامیلی، به غیبت، تهمت یا شایعه آلوده گردد. گاهی مشاهده می‌شود افراد در جلسهای نشسته‌اند و به راحتی شاهد غیبت، تهمت و شایعه هستند و در این خصوص هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهند. این سکوت و بی‌تفاوتی با نظارت ملی سازگاری ندارد و اگر همدیگر را دوست دارند، باید با تذکر زبانی، همراه با مهربانی و از سر خیرخواهی، مواظب گفتار و کردار هم باشند. اگر نظارت ملی به این صورت در بین مؤمنین نهادینه شود، کسی جرأت اهانت یا تهمت یا شایعه‌سازی ندارد و جامعه با حاکمیت صفا، صمیمیت و صداقت در آن، سالم و اسلامی می‌شود.

خودداری انسان از گناه، برای سلامت جامعه کافی نیست

خودداری انسان از گناه، برای سلامت جامعه کافی نیست و علاوه بر آن، باید در برابر دیگران هم احساس مسئولیت کند و برای آنها امر به معروف و نهی از منکر باشد تا در ثواب عمل آنان شریک گردد. پیامبر اکرم «ص» فرمودند:

«مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً كَانَ لَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَ وِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» [3]

بر این اساس، اگر آدمی دیگران را به انجام واجبات و اعمال نیک نظیر نماز جماعت و خدمت به خلق خدا تشویق کند، از ثواب عمل پسندیده آنان بهره‌مند می‌شود و اگر کسی باعث گناه دیگران شود یا با وجود توانایی، مانع معصیت افراد جامعه نشود، در گناه آنان به همان اندازه شراکت دارد.

تقدیر به ظواهر شرع و اجتناب از گناه و انجام واجبات، به صورت فردی کافی نیست و برای سلامت فرد و اجتماع نتیجه ندارد، بلکه انسان باید علاوه بر خودسازی به دیگرسازی بپردازد و نسبت به افراد اجتماع که براساس اشتراک ایمانی به آنها علاقه‌مند است، احساس مسئولیت داشته باشد و آنها را از گناه و معصیت باز دارد و به انجام واجبات و فرائض دینی و اعمال حسنه تشویق نماید.

گناه، برنده‌تر از کارد و کشنده‌تر از زهر

اجتناب انسان از گناه و بی‌تفاوتی او نسبت به گناه دیگران، نظیر آن است که خود از خوردن یک غذای زهرآلود و سمی پرهیز کند، اما دیگران را از خوردن آن منع نکند و به راحتی شاهد خوردن آن غذا توسط اشخاص دیگر و مسمومیت آنان شود. این، در حالی است که گناه و آثار شوم آن، از هرگونه سم و زهر مهلکی خطرناک‌تر و مضرتر است؛ زیرا غذای سمی جسم آنان را معیوب می‌کند یا نهایتاً آنها را می‌کشد، اما گناه، روح انسان را از بین می‌برد و دل او را می‌میراند و او را به سقوط و تباهی ابدی در دنیا و آخرت می‌کشاند. امام صادق «ع» می‌فرماید: «گناه، از کاردی که گوشت را پاره پاره می‌کند، برای گناهکار، برنده‌تر است [4]. معلوم است که چنین کارد برنده‌ای، روح و دل انسان را قطعه قطعه می‌کند و از بین می‌برد.

وظیفه پدر و مادر در بازداري فرزندان از گناه

در این خصوص پدران و مادران وظیفه سنگینی دارند و ممانعت آنها از گناه فرزند و تشویق او به انجام واجبات و اعمال نیکو، کمترین وظیفه آنهاست. البته باید آداب امر به معروف و نهی از منکر را مراعات کنند و مثلاً اگر دختر آنها بر اثر رفت و آمد با دوست بد، در رعایت حجاب سستی می‌کند، وظیفه دارند با تلافی و مهربانی و ارائه استدلال و با فروتنی و از سر خیرخواهی و محبت، اشتباه بزرگ او را متذکر شوند و او را از مسیر انحرافی نجات دهند و به راه راست هدایت کنند. اگر پدر و مادر مشاهده کردند فرزند آنها دروغ می‌گوید، بدگویی دیگران را می‌کند و حرف‌های رکیک می‌زند، باید با مهربانی و تشویق فراوان، از همان کودکی او را به راستگویی، صداقت و امانت‌داری دعوت کنند و صفات حسنه اخلاقی را در وجود کودک خود نهادینه کنند.

روش موعظه از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم در سوره لقمان، روش موعظه و نصیحت و به خصوص روش تربیت صحیح و اسلامی فرزند را با بیان نحوه موعظه لقمان حکیم و روش نصیحت فرزند توسط او، به ما آموزش می‌دهد:

«وَ إِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» [5]

براساس این آیه شریفه، وقتی لقمان می‌خواهد فرزند خود را از شرک ورزیدن به حق تعالی نهی کند، ابتدا با جمله محبت‌آمیز «یا بنی» نسبت به او ملاحظت می‌کند و با مهربانی او را مورد خطاب قرار می‌دهد. سپس موعظه خود را بیان می‌کند و بلافاصله، استدلال آن موعظه را ارائه می‌نماید. بدین ترتیب می‌گوید: ای پسر عزیزم، به خدا شرک نوز، زیرا شرک، ظلم بزرگی است.

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر، به خصوص از سوی پدر و مادر، باید با مهربانی، فروتنی، احترام و با اقامه دلیل باشد و پدر و مادر هنگام موعظه فرزند، بر اعصاب خود مسلط باشند و با آرامش و بدون هیچ‌گونه تند و عصبانیت، فرزند خود را نصیحت کنند، زیرا تند، فریاد و عصبانیت در توصیه و موعظه، نه تنها تأثیر ندارد، بلکه اثر سوء و نتیجه منفی به همراه خواهد داشت.

همچنین توصیه و نصیحت تحمیلی و اجباری، هیچ‌گاه نتیجه ندارد. موعظه باید با دلیل و برهان همراه باشد که شخص مقابل، به علت زشتی کار خود پی ببرد تا از انجام آن خودداری کند و توصیه اجباری و تحمیلی، اگر چه ممکن است به صورت موقتی با عمل همراه باشد، اما بذر لجبخت و لجبازی را در نهاد آن شخص، می‌کارد و به محض رفع اجبار، به همان حالت اول و حتی بدتر از آن برمی‌گردد.

ذکر یک مثال برای موعظه حسنه

گناهان چشم، زبان و گوش بسیار مهم هستند و در سقوط و انحراف انسان تأثیر به سزا دارند. از این رو امر به معروف و نهی از منکر راجع به این گناهان، وظیفه اساسی همگان مخصوصاً پدر و مادر نسبت به فرزند و دوستان نسبت به یکدیگر است. اما اگر مثلاً پدر و مادر با تند و عصبانیت به فرزند خود بگویند: نگاه آلوده نداشته باش، سخنان رکیک بر زبان جاری نکن و به موسیقی مطرب و تحریک آمیز گوش نده، موعظه آنها اثربخش نیست؛ بلکه آنها باید با مهربانی، در فضایی سرشار از محبت و دوستی و با جملات و کلمات محبت‌آمیز به فرزند خود بگویند: فرزند عزیزم، نگاه آلوده، نگاه شهوت انگیز و حتی نگاه بیهوده، برای آینده تو و برای سعادت تو مضر است و به نفع تو است که از چنین نگاه‌هایی پرهیز کنی. بعد به او بگویند: پیامبر اکرم «ص» می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ فَضُولَ التَّظَرِّ فَإِنَّهُ يَبْدُرُ الْهَوَى» [6] فرزند عزیزم بنا بر فرمایش پیامبر گرامی، نگاه اضافی و بیهوده، بذر هوی و هوس را در دل تو می‌کارد و هوی و هوس، عامل سقوط و انحراف تو و مانع پیشرفت معنوی و حتی مانع موفقیت در امور دنیایی توست و به این دلیل برای توصیه خود، به اقامه دلیل و بیان استدلال متوسل شوند.

در اینجا جا دارد به یادآوری یک تذکر اخلاقی بپردازیم. متأسفانه در جامعه فعلی اعمال لغو و بیهوده و بدون نتیجه فراوان یافت می‌شود. اگر انسان مرتکب گناه چشم، گوش و زبان شود که دچار خسران عظیم می‌شود، اما بحث ما در اعمال لغو و بیهوده است که نتیجه دنیوی یا اخروی خاصی ندارد. در کلام اهل بیت «ع» از «فضول العین» [7] و «فضول الکلام» [8] مذمت شده و به ترک آن امر شده است. همچنین خداوند متعال در سوره مؤمنون می‌فرماید:

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ، قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُوْنَ ، الَّذِیْنَ هُمْ فِی صَلَاتِهِمْ خٰشِعُوْنَ ، وَ الَّذِیْنَ هُمْ عَنِ اللّٰغُوْ مُعْرِضُوْنَ» [9]

این آیات، پس از آنکه افراد مؤمن را رستگار و سعادت‌مند می‌شمارد، برخی از صفات آنها را بیان می‌دارد و می‌فرماید: مؤمنین کسانی هستند که مقید به نمازند و نماز را دوست دارند و نماز خود را در اول وقت، با جماعت و با ادب حضور می‌خوانند و از نماز شب هم غافل نیستند. سپس می‌فرماید: مؤمنین کسانی هستند که از اعمال لغو و بیهوده اعراض دارند و دوری می‌جویند.

تخیلات و توهمات، ناشی از نگاه بیهوده

نگاه اضافی و صحبت اضافی و بیهوده، لغو است. اگر انسان در خیابان در حال راه رفتن و طی مسیری است، باید سر به زیر باشد؛ زیرا نگاه بیهوده او به اطراف، مصداق لغو است. همین نگاه‌های بی‌هدف و بیهوده است که هوس و توهمات و تخیلات و توهمات شیطانی را در دل انسان بارور می‌کند و ارتکاب گناه و معصیت را در پی خواهد داشت.

مذمت اتلاف وقت با دیدن فیلم و سریال

نعمت چشم، یکی از ارزشمندترین نعمت‌هاست و باید از آن به بهترین وجه استفاده کرد، اما متأسفانه بسیاری از مردم چندین ساعت از وقت گران‌بهای خود را صرف دیدن فیلم و سریال بیهوده و بی‌نتیجه با چشم می‌کنند. عمر انسان باید صرف تلاش برای آبادانی دنیا و آخرت شود و چشم، وسیله بسیار مناسبی برای مطالعه، تحقیق و فراگیری نکات آموزنده علمی، اخلاقی و معنوی است. جای تأسف دارد که برخی چند ساعت در مقابل تلویزیون می‌نشینند و در پاسخ به این سؤال که در ازای چند ساعت ارزشمند که صرف کردید و دو نعمت ارزشمند چشم و گوش خود را در این راستا به کار گرفتید، چه دستاورد علمی، اجتماعی، اخلاقی یا سیاسی دارید، هیچ پاسخی برای ارائه ندارند.

بازرسی در قیامت

آن کسانی که در دنیا پاسخی برای این سؤال ندارند، در قیامت و در اولین بازپرسی، متوقف خواهند شد. پیامبر اکرم «ص» فرمودند: بنده، در قیامت، پیش از آنکه قدم از قدم بردارد، در یک بازپرسی، باید به چهار پرسش اساسی پاسخ دهد:

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ لَا يَبْرُولُ الْعَبْدُ قَدَمًا عَنْ قَدَمٍ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ عَنْ عَمْرِهِ فِيمَا أَفْتَاهُ وَ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَ فِيمَا ذَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حَيْثَا أَهْلَ الْبَيْتِ» [10]

بر این اساس، بندگان، قبل از رسیدن به صف محشر و پیش از آغاز محاسبه حساب، باید پاسخ‌دهند که عمر خود را چگونه گذراندند؟ جوانی خود را در چه راهی صرف کردند؟ مال خود را چگونه به‌دست آورده، در چه مسیری صرف کردند؟ و محبت آنها به اهل بیت «ع» چه میزان است؟

اگر کسی نتواند در آن بازپرسی به این سؤالات پاسخ دهد، متوقف می‌شود و عبور او و رسیدن به منازل دیگر قیامت، مشکل است.

افسوس سال‌خوردگان به خاطر از دست دادن نعمت جوانی

نعمت عمر و نعمت جوانی بسیار ارزشمند است و باید از آن به خوبی استفاده شود. حتی اینکه برخی می‌گویند: عمر طلا است، ارزش عمر را تنزل می‌دهند؛ زیرا اگر از عمر به خوبی استفاده شود، حتی یک ساعت آن، می‌تواند انسان را به بهشت و به سعادت و کمال ابدی برساند و عاقبت او را به خیر کند. ارزش و بهای بی‌نظیر نعمت جوانی را افراد سالخورده که از آن بهره‌مند نیستند، بهتر می‌فهمند. حتی دانشمندان، علما و مراجع تقلید که در جوانی بسیار در تحصیل علم کوشیده‌اند و از لحظات عمر

خود بهره جسته‌اند، هنگام پیری و ناتوانی که دیگر توان و نشاط لازم را ندارند، افسوس دوران جوانی را می‌خورند و آرزوی برخورداری از نیروی جوانی را دارند.

ضرورت بهره‌مندی جوانان ایرانی از نعمت عمر و جوانی

جوانان ایرانی باید بیش از این فعالیت داشته باشند و در عرصه‌های علمی، فرهنگی، تولیدی و خدماتی، نهایت استفاده را از گوهر گران سنگ وقت و فرصت ببرند.

متأسفانه آمار بهره‌مندی جوانان ایرانی از وقت و میزان مطالعه یا میانگین فعالیت در کشور ما در مقایسه با سایر کشورها، وضعیت نامطلوب و تأسّف‌باری دارد و عیب بزرگی برای جوانان ایرانی محسوب می‌شود. تأسّف بیشتر و خسارت عظیم‌تر، هنگامی است که علاوه بر اتلاف وقت و از دست دادن فرصت‌ها، عمر گران‌بهای انسان صرف گناه و معصیت شود.

امروزه بسیاری از جلسات، میهمانی‌ها و جشن‌های عقد و عروسی، افزون بر فرصت‌سوزی، با گناهانی نظیر غیبت، تهمت و شایعه‌پراکنی طی می‌شود. به جای آنکه افراد حاضر در جشن عروسی یا میهمانی، چند ساعت از آموخته‌های علمی و معنوی همدیگر بهره ببرند و جلسات خود را به محیط فراگیری علم و دین مبدّل سازند و به تهذیب نفس و خودسازی اخلاقی یکدیگر کمک کنند، چند ساعت غیبت می‌کنند، تهمت می‌زنند و نسبت ناروا و ناپسند به دیگران می‌دهند و متأسفانه تصور می‌کنند اتفاق خاصی نیفتاده و به آنها خوش گذشته است، در حالی که قرآن کریم این گناهان را بسیار بزرگ می‌شمرد و مسلمین را از ارتکاب این‌گونه اعمال ناپسند بر حذر می‌دارد:

«وَ تَحْسَبُوهُ هَيْئًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ» [11]

امر به معروف و نهي از منکر مراتب دیگری نیز دارد که برخی مربوط به حکومت و بعضی بر عهده مردم است. ان‌شاءالله در جلسات بعدی به ادامه بحث خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت‌ها:

1. تفسیر فرات الکوفی، ص 430.
2. کامل الزیارات، ص 176 و 303 و 315
3. الفصول المختاره، ص 136
4. الکافی، ج 2، ص 272
5. لقمان، 13
6. عدّة‌الداعی، ص 313
7. ر.ک: بحار الانوار، ج 69، ص 199؛ مجموعه ورام، ج 1، ص 234
8. ر.ک: الکافی، ج 1، ص 17؛ غرر الحکم و درر الکلم، ص 212؛ مکارم الأخلاق، ص 467
9. مؤمنون، 1 تا 3
10. جامع الاخبار، ص 175
11. نور، 15